

## سوال و جواب

مبارزه سیاسی و جنگ فکری؛ آیا این دو، جزء طریقه ثابت هستند یا اسلوب‌های تغییر پذیر؟

سوال:

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

امیر و شیخ‌مان، در پناه و یاری الله باشید! آیا مبارزه سیاسی از احکام طریقه است یا صرفاً از اسلوب‌ها و روش‌ها به شمار می‌رود؟ الله سبحانه و تعالی شما را محفوظ بدارد، عزت‌تان را پایدار گرداند، توفیق‌تان عطا فرماید، از وجودتان نفع برساند، درهای خیر را به روی‌تان بگشاید و مقام‌تان را رفعت بخشد!

برای توضیح بیشتر، من آگاه هستم که این مسأله همانند «مبارزه فکری» از جمله طریقه محسوب می‌شود؛ لیکن این موضوع در یکی از نشست‌ها، میان شباب این‌جا باعث بحث و اختلاف در درک گردید و قضیه به طور نهایی حل نشد. از این‌رو، قرار بر این شد که پرسش به صورت رسمی مطرح گردد و ما در انتظار پاسخ و سخن قطعی و شفاف‌بخش بمانیم.

جواب:

وعلیکم السلام ورحمت الله وبرکاته!

پیش از این نیز به پرسشی مشابه، در تاریخ ۱۴ صفر ۱۴۲۹ هجری قمری - برابر با ۲۰۰۸/۲/۲۰ میلادی - پاسخ داده‌ایم و در آن چنین آمده است: ...یقیناً فعالیت سیاسی و کار فکری، هر دو از جمله طریقه به‌شمار می‌روند؛ زیرا مرحله تفاعل، چنین امری را اقتضا می‌کند و بدون آن تحقق نمی‌یابد؛ بلکه اساساً تفاعل، بدون کار سیاسی و فکری، معنا پیدا نمی‌کند. اما "مبارزه سیاسی" و "جنگ فکری"، هر دو شامل نوعی چالش‌طلبی آشکار از طریق فعالیت سیاسی و فکری می‌شوند. این چالش‌طلبی، یک اسلوب به‌شمار می‌رود؛ چه بسا در جایی لازم باشد و در جایی دیگر لازم نباشد. برای روشن‌تر شدن مسئله، می‌توان گفت: حتی توزیع یک اعلامیه ممکن است به اسلوب مبارزه جویانه (کفاحی) انجام گیرد؛ به این معنا که به‌گونه علنی و در قالب یک چالش آشکار توزیع شود... و نیز ممکن است توزیع آن عادی و معمولی باشد...

بنابراین، صراع و کفاح (مبارزه فکری و سیاسی) دارای دلالتی هستند که چالش‌طلبی آشکار را همراه لوازم و پیامدهای این چالش در خود دارند... لذا این نوع چالش‌طلبی‌ها اسلوب‌هایی هستند که بر حسب اقتضای شرایط گوناگون می‌شوند. برایت چند مثال را یادآور می‌شوم:

رسول الله صلی الله علیه وسلم در رویارویی با کفار، از اسلوب‌هایی با شدت متفاوت کار می‌گرفتند. برای مثال: زمانی که یکی از سران قریش (گویا عتبه) نزد ایشان آمد. رسول الله صلی الله علیه وسلم اسلام را با استدلالی قانع‌کننده و حکمتی عمیق، در قالب سخنی آرام، سنجیده و اثرگذار بر او عرضه نمودند؛ چنان‌که آن مرد، وقتی به سوی قریش بازگشت، دیگر همان شخص سابق نبود. سران قریش که او را فرستاده بودند. این دگرگونی را وضاحت احساس کردند، به‌ویژه آن‌که او در برابرشان از سخنانی که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده بود، به نیکی یاد کرد.

اما در برخوردی دیگر، یکی از سران قریش (گویا وائل) با رسول الله صلی الله علیه وسلم رویه‌رو شد؛ در حالی که به‌عنوان سردمدار کفر، استخوان‌های پوسیده‌ای را در دست داشت. آن‌ها را پیش روی رسول الله صلی الله علیه وسلم گرفت و با تمسخر پرسید: آیا پروردگار تو می‌تواند این‌ها را دوباره زنده کند؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم پاسخ داد: «آری، آن را زنده می‌گرداند»، و سپس افزود: «و تو را نیز وارد جهنم می‌سازد». در این‌جا رسول الله صلی الله علیه وسلم تنها به پاسخ سوال او بسنده نکرد، بلکه سخنش را با توبیخ و هشدار همراه ساخت.

بنابراین، اسلوب برخورد گاهی شدت می‌گیرد و گاهی نرم‌تر می‌شود؛ زیرا این امر بر اساس آن است که چه اسلوبی با طرف مقابل مناسب‌تر و مؤثرتر است. برای اینکه تصویر برای‌تان واضح‌تر گردد به این آیه توجه کنید:

﴿اَذْهَبْ أَنْتَ وَأُخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي (۲۳) اَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (۲۴) فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لِّعَلَّهٗ يَنْدَكُرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾ [طه: ۲۳-۲۵]

ترجمه: تو و برادرت با نشانه‌های من بروید و در یاد من سستی نکنید. به سوی فرعون بروید، که او سرکشی کرده است. پس با او سخنی نرم و ملایم بگویید، باشد که پند گیرد یا (از الله سبحانه و تعالی) بترسد.

پس در این آیه به روشنی پیداست که آن‌چه خواسته شده، گفت‌وگوی فکری آرام و نرم است.

اکنون این آیه کریمه را نیز در همین موضوع بخوانید؛ این آیه هم میان موسی علیه السلام و فرعون است، اما در موقعیتی دیگر. پس از آن‌که دلایل روشن و نشانه‌های آشکار بر فرعون عرضه شد و با وجود آن، فرعون همچنان متکبر ماند و در سرکشی خود پافشاری کرد؛ در آن هنگام دیگر سخن موسی علیه السلام با او نرم نبود، بلکه تند و شدید بود، آن‌گاه که او را «مثیر» هلاک‌شده و ملعون توصیف کرد. آیه مبارکه:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاسْأَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا \* قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمَا أَنزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَائِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا﴾ [اسراء: ۱۰۱]

ترجمه: و بی‌گمان به موسی نه نشانه روشن دادیم. از بنی اسرائیل بپرس، آن‌گاه که موسی به سوی آنان آمد، پس فرعون به او گفت: ای موسی، گمان می‌کنم تو افسون‌شده‌ای. (موسی) گفت: تو خوب می‌دانی که این‌ها را جز پروردگار آسمان‌ها و زمین، برای روشنگری و عبرت نازل نکرده است، و من گمان می‌کنم تو ای فرعون، نابودشده و هلاک‌شده‌ای.

لذا گفت‌وگوی نرم در آغاز برای ارائه دلایل و نشانه‌ها بود؛ اما پس از آن‌که نشانه‌ها و دلایل قاطع و روشن ارائه شد و با وجود آن تکبر و سرکشی فرعون ادامه یافت، در آن جا گفت‌وگو حالت تند و قاطع به خود گرفت.

امید دارم که تصویر مسأله را به‌طور کامل روشن ساخته باشم.

از همین روست که ما در کتاب‌های خود، درباره فعالیت‌های سیاسی در مرحله تفاعل می‌گوییم: «در این فعالیت‌های سیاسی، جنگ فکری و مبارزه سیاسی برجسته می‌گردد.»

بنابراین به صورت معمول در این مرحله به دلیل رویارویی با سران کفر مبارزه فکری و سیاسی (صراع و کفاح) برجسته می‌شود و این اسلوب با آنان تناسب دارد. اما در برابر سایر کفار، یا در زمان و شرایط متفاوت، ممکن است کار سیاسی و فکری با اسلوبی دیگر لازم باشد.

بار دیگر تأکید می‌کنم که فعالیت سیاسی و کار فکری جزء طریقه است؛ زیرا مرحله تفاعل آن‌ها را به‌طور قطعی اقتضا می‌کند و گریزی از آن نیست. تنها تشدید کار سیاسی و فکری، یعنی کفاح و صراع، یک اسلوب به‌شمار می‌رود که در زمان و مکان مناسب به کار گرفته می‌شود.

شیخ عطاء بن خلیل ابوالرشته - امیر حزب التحریر

6 شعبان 1447 ه.ق.

25 جنوری 2026 م.

مترجم: طه خالد